

فاصله رؤیاهای محمدرضا فرهمندتبار با واقعیت زیاد بود، اما او توانست در یک سال گذشته در ۳ مجموعه تلویزیونی بازی کند

سرمحله آب و برق، مورد اعتماد کارگردان‌های سرشناس



راه تجربه



ایشان به من گفتند: این فیلم، سریال تلویزیونی است و من نمی‌توانم به هر بازیگری که صرفاً علاقه مند است اعتماد کنم. اینجا هیچ جایی برای آزمون و خطا وجود ندارد و بازیگر باید از تجربه کافی برخوردار باشد.

او ادامه می‌دهد: با اینکه دلایل آقای سهیلی زاده برای نپذیرفتن من موجه به نظر می‌رسید، اما از ایشان درخواست کردم که یک بار به من اعتماد کنند و قول دادم که تمام تلاش خود را برای کسب موفقیت به کار بیندم. خیلی‌ها برای این نقش تست داده بودند اما سرانجام من انتخاب شدم و سال گذشته یک قرارداد هفت میلیون تومانی با من بستند. این شد اولین درآمد من از دنیای بازیگری. هیچ وقت یاد نمی‌روم. روز فیلم برداری آقای سهیلی زاده به من گفت: سعی کن اینجا و این فیلم سکوی پیشرفت تو باشد، چون واقعا استعداد داری.

● حس همکاری با مهران مدیری

بازی جذاب و دل‌نشین محمدرضا با آن لهجه مشهدی در سریال «روزی روزگاری آبادی» باعث می‌شود تا او با هم برای بازی در سریال‌های تلویزیونی دعوت به همکاری شود. بعد از مدتی افتخار همکاری با مهران مدیری نصیبم شد. حس فوتبالیستی را داشتم که سال‌ها پوستر کریستیانو رونالدو را به دیوار اتاقم چسبانده و حالا با او در یک تیم هم بازی است.

محمدرضا فرهمندتبار هر چند کوتاه در سریال «۶ ماهه» به کارگردانی مهران مدیری ایفای نقش کرد و پس از آن در سریال «سبزواران» که نویسنده‌ی و کارگردانی آن را برادران هاشمی برعهده داشتند حضور پیدا کرد که البته این سریال هنوز پخش نشده است. او امیدوار است روزی در سینمای ایران به عنوان یک ستاره مطرح شود. او حالا در تئاتر طرفدار «شیزوفرنی» در کنار هنرمندانی مانند امیر غفارمنش و امیر کریم‌زاده ایفای نقش می‌کند.

ریاحی! پیش رویش که نشسته‌ای انگار در میانه نردبانی ایستاده‌است. اما از شرایط پایین و سخت حرفی نمی‌زند و نگاهش به بالا است. اعتقاد دارد اینجا جایی که قرار گرفته باید تعادلش را حفظ کند و بعد قدم در مسیر بالاتر بگذارد. او از پله‌های سستی عبور کرده و پایین نیفتاده است. از کودکی روی پای خودش ایستاده و برای اینکه به آرزویش که حضور در صحنه تئاتر است، برسد، سختی‌های زیادی را تجربه کرده است و همچنان رویه بالا حرکت می‌کند.

محمدرضا فرهمندتبار که ساکن محله آب و برق است، حالایی از هنرمندان تئاتر و سریال‌های تلویزیونی است که کارگردان‌های بزرگی مثل مهران مدیری و حسین سهیلی زاده به او اعتماد کرده‌اند و در سریال‌هایی مانند «روزی روزگاری آبادی»، «۶ ماهه» و «سبزواران» به او فرصت بازی داده‌اند. هر چند این سکانس‌ها کوتاه و در حد چند دقیقه است، اما او را به آینده امیدوار می‌کند.



● تقلید صدای پسر شجاع خوراکم بود

علاقه محمدرضا فرهمندتبار به هنر تئاتر و بازیگری به دوران کودکی او برمی‌گردد. محمدرضا از کودکی به هنرپیشگی علاقه داشت. اما برای خانواده‌اش درس خواندن همیشه اولویت داشته است. برای همین ورودش به دنیای هنر تاروهای دانشجویی و تحصیل در رشته کامپیوتر به تأخیر افتاد. تا آن روز هنر او به ایستادن جلوی آیین و بازی کردن نقش چهره‌های کارتونی محدود می‌شد. در آوردن صدای شخصیت‌های کارتونی مثل پسر شجاع، جیمبو، ای کیوسان و بارباپا خوراکم بود. جلوی آینه می‌ایستادم و ادای آن‌ها را درمی‌آوردم. بعد از اجرا هم به خودم نمره می‌دادم و به جای حاضران در سالن خودم را تشویق می‌کردم.

● من کجا و بازیگری کجا؟

استعداد محمدرضا در دوران دانشجویی شکوفای شد. جایی که او با رفقای یک گروه تئاتر تشکیل می‌دهند و در جشنواره‌های دانشجویی مانند ریاتیک و زعفران و... اجرای برنامه دارند. حضور در گروه تئاتر دانشجویی عزم او را برای ورود به دنیای بازیگری جزم و در مدرسه بازیگری هادی وکیلی ثبت نام می‌کند: همیشه جرقه‌هایی هست که مسیر زندگی آدم را متفاوت می‌کند. در بیست و سه سالگی بود که به دنیای بزرگ بازیگری پا گذاشتم. اصلا بگذارید ماجرا را از کمی قبل‌تر برایتان بگویم. چند ماه قبل ترش برادر بزرگم وقتی از علاقه من به بازیگری مطلع شد، به من گفت: بیا برویم تست بازیگری بده. اول با خودم گفتیم من کجا و بازیگری کجا؟ تا آن روز به این موضوع حتی فکر هم نکرده بودم. خنده‌ام گرفته بود، اما بدم نیامد که شانس را امتحان کنم. این شد که به

● آغاز تئاتر با «ملاقات بانوی سالخورده»

این هنرمند مشهدی بعد از پشت سر گذاشتن دوره‌های بازیگری، سختی‌های غربت را به جان می‌خورد و سال ۱۴۰۰ عازم تهران می‌شود تا در چندین تست بازیگری و دوره‌های آموزش تئاتر شرکت کند. به قول خودش نه پول داشت، نه پارتی و نه روی زیاد. نه حتی یک روزمه درست و حسابی که نظر کارگردان‌ها را جلب کند. برای همین تا دلتان بخواهد جواب «نه» شنید. اما او قصد دست کشیدن از آرزوهایش را نداشت و سرانجام نادر نادری برای تئاتر «ملاقات با بانوی سالخورده» و «ترانه‌های پروانه» به او اعتماد کرد. محمدرضا با بازی در این دو نمایش که در آن درخشان هم ظاهر می‌شود، همکاری با سایر کارگردان‌های معروف دیگر تئاتر را هم تجربه می‌کند که مژگان معقولی از جمله آن‌هاست.

● آغاز بازیگری از «روزی روزگاری آبادی»

وقتی خدا بخواهد همه چیز جفت و جور می‌شود. محمدرضا این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: چند نفر از کارگردان‌های معروف مثل حسین سهیلی زاده برای تماشای تئاتر «ملاقات با بانوی سالخورده» آمده بودند. بازی من نظر استاد سهیلی زاده را جلب کرد. چند روز بعدش دستیارش با من تماس گرفت و گفت: برای یک نقش کوتاه در سریال «روزی روزگاری آبادی» انتخاب شده‌ای. به دفتر بیات با هم صحبت کنیم. واقعا دست و پایم را گم کرده بودم. یادم آمد از یک سال پیش از بس آدم‌های جو را جو روی تو زده بودند، بی خیال بازیگری شده بودم و می‌خواستم به مشهد برگردم. به دفتر آقای سهیلی زاده رفتم. همانند بقیه کارگردان‌های قبلی پرسید، آیا روزمه داری؟ جواب دادم: نه،

